

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده : علی کاظمی

۱۱.۰۸.۱۰

تفسیرهای خبری

سه شنبه ۱۹ مرداد [اسد] ۱۳۸۹

عدم مشروعیت خامنه‌ای، به درون اصول‌گرایان هم کشیده شد

فتوای خامنه‌ای مبنی بر این که ولی فقیه نایب "امام زمان" است و دستورات ولی فقیه یعنی شخص خامنه‌ای برای همگان "واجب" است و اکنش‌های بسیاری را در میان جناح‌های درون حاکمیت برانگیخته است. فتوای فوق که در روزهای اولی با واکنش انتقادی "اصلاح طلبان" روبرو شده بود اکنون با گذشت دو هفته، زمینه‌های واکنش اعتراضی نیروهای اصول‌گرای درون حاکمیت را نیز فراهم کرده است.

امیر محبیان، عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت و علی شکوهی، معاون فرهنگی جام جم (وابسته به صدا و سیما) از جمله تئوریسین‌های شناخته شده اصول‌گرایان هستند که نسبت به این فتوای خامنه‌ای واکنش نشان داده‌اند. امیر محبیان که خود از جمله نیروهای اصول‌گرا، طرفدار "ولی فقیه" و از مدافعان سرکوب توده‌های مردم بوده است در تازه‌ترین نوشته خود تحت عنوان "ضرورت بازسازی قدرت"، به نقد فتوای خامنه‌ای برخاسته است. او ضمن نقد دیدگاه حاکم بر جمهوری اسلامی که سرکوب عریان فعالین سیاسی و توده‌های مردم ایران را تنها راه برون رفت از بحران‌های کنونی می‌داند نوشته است: "دلخوشی به عنصر مجازات یا قدرت تنبیه حکومت به عنوان عنصر کافی برای بقاء، کوتاه‌اندیشی خواهد بود".

محبیان همچنین به اصول‌گرایانی که ضرورت بازسازی قدرت و "مشروعیت حاکم" را نادیده می‌گیرند هشدار داده و می‌نویسد:

"گذشت زمان و ظهور نسل‌های نو به تنهایی ضرورت بازسازی هرچند گاه یکبار منابع قدرت را گوشزد می‌کند، چه رسد به زمانی که گروهی در درون [نظام] به تنهایی یا با حمایت از بیگانگان به این منابع صدمه وارد می‌کنند". نوشته امیر محبیان را نباید صرفاً موضع شخص او تلقی کرد. او عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت و نماینده شاخص فکری جناحی از اصول‌گرایان است که هم اکنون نسبت به تمرکز عنان گسیخته قدرت در دستان خامنه‌ای و

تصمیمات یک جانبه او احساس خطر کرده‌اند. لذا، می‌بینیم این دسته از اصول‌گرایان با طرح ضرورت بازسازی قدرت در حاکمیت، نسبت به فتوای خامنه‌ای و تمرکز بیش از حد اختیارات او واکنش نشان داده‌اند. نوشته امیر محبب‌ان علاوه بر تأکید در ضرورت بازسازی قدرت، حاوی دو نکته دیگر نیز هست. نخست این که محبب‌ان به عدم کارائی و "دلخوشی به عنصر مجازات و تنبیه حکومت" در سرکوب توده‌های مردم ایران اذعان کرده است. دوم این که به عدم مشروعیت قدرت نظام که در واقع همان عدم مشروعیت دستگاه "ولی فقیه" است اعتراف کرده است.

به دنبال مقاله امیر محبب‌ان، علی شکوهی نیز، در مقاله‌های آشکارا به نقد فتوای خامنه‌ای و تمرکز قدرت در دستان او پرداخته است.

شکوهی، که هم اکنون معاون فرهنگی جام جم (وابسته به صدا و سیما) است، "نظارت بر عملکرد و صلاحیت‌های فقیه حاکم" را "از لوازم و ضروریات نظریه ولایت فقیه می‌داند".

مقاله شکوهی که در هفته‌نامه پنجره نزدیک به اصول‌گرایان منتقد احمدی‌نژاد منتشر شده، با اشاره به ضرورت "مدت‌دار بودن" دوران رهبری یادآور شده است:

"خبرگان به عنوان نهادی که رهبری را برمی‌گزینند و بر صلاحیت‌های او نظارت می‌کند و در صورت نیاز، او را معزول می‌سازد، باید از حوزه رهبری مستقل و از نفوذ وی مصون باشد و شائبه دخالت و تأثیرگذاری رهبری در تصمیمات آن به حداقل برسد".

خامنه‌ای که با صدور فتوای خود، حداقل انتظار داشت تا بتواند شکاف ایجاد شده در میان نیروهای اصول‌گرای نظام را ترمیم و آنان را حول اطاعت مطلق از اوامر ولی فقیه به وحدت نسبی برساند، عملاً با اقدام "نایب امام زمان" خواندن خود، بحران مشروعیت ولی فقیه را در میان اصول‌گرایان نیز بیشتر برانگیخته است.

فتوای خامنه‌ای مبنی بر این که همگان باید از او اطاعت کنند به این معناست که حتی همه ارگان‌های جمهوری اسلامی از جمله مجلس خبرگان رهبری هم باید مطیع اوامر او باشند. مجلس خبرگانی که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی رهبر را برمی‌گزیند و قدرت عزل او را هم دارد. اما بحران سیاسی و به تبع آن بحران قدرت حاکم بر جمهوری اسلامی، خامنه‌ای را بر آن داشته تا همه پرده‌ها را کنار بزند و با "نایب امام زمان" خواندن خود، اطاعت از ولی فقیه را بر همگان واجب گرداند. اما هم چنان که شاهدش هستیم نه تنها چنین نشده است، بلکه فتوای فوق بیش از پیش باعث تشدید عدم مشروعیت خامنه‌ای در جمهوری اسلامی و گسترش دامنه بحران مشروعیت در میان اصول‌گرایان هم گردیده است.

نزاع لاشخورها با یکدیگر

هشتاد میلیارد تومان جهت برگزاری همایش ایرانیان خارج از کشور توسط دولت احمدی‌نژاد هزینه گردید. روزنامه کیهان حکومتی با افشای این مطلب و نیز افشای نام پاره‌ای از افراد دعوت شده به همایش فوق از جمله هوشنگ امیر احمدی، وارد یک مناقشه علنی با رحیم مشائی رئیس دفتر احمدی‌نژاد شده است.

ماجرا از این قرار است که روزنامه کیهان با درج یک ایمیل در این روزنامه حکومتی، ادعا کرد که هوشنگ امیر احمدی، دلال ایجاد رابطه میان آمریکا و جمهوری اسلامی به دعوت رحیم مشائی در این همایش حضور یافت.

به دنبال افشاکاری روزنامه کیهان، رحیم مشائی نیز با جعلی دانستن ایمیل فوق، اصل خبر را تکذیب و این اقدام کیهان را توطئه علیه خود عنوان کرد. به دنبال تکذیب رئیس دفتر احمدی‌نژاد، کیهان نیز مجدداً وارد میدان نزاع

شد. این روزنامه در شماره روز یکشنبه ۱۷ مرداد ماه ۸۹، با درج متن ایمیل ارسالی از طرف رحیم مشایی برای امیر احمدی نوشت: این ایمیل جعلی نیست و ایمیل‌های ارسالی دیگر به سایر مهمانان نیز با همین متن و از یک IP و یک دستگاه خاص ارسال شده است.

کیهان همچنین در بخش دیگری از جواب خود آورده است: چرا از آقای "وحید-گ" که در سال ۸۸ تظاهرات ضد انقلاب را در مقابل سفارت ایران به حمایت از سران فتنه سازماندهی کرده بود برای شرکت در همایش دعوت شده و یا "محمد-پ"، "عباس-ع" و دیگران با چه انگیزه‌ای دعوت شده‌اند؟

به رغم این که کیهان تلاش دارد تا ماجرای مناقشه میان خود و رحیم مشایی را در حد دعوت یا عدم دعوت از هوشنگ امیر احمدی نگه دارد اما، آنچه در این اقدام کیهان باید برجسته گردد، فراتر از موضوع دعوت از امیر احمدی و حتا فراتر از افشای هزینه ۸۰ میلیارد تومانی این همایش بوده است. به رغم این که ۸۰ میلیارد تومان از جیب توده‌های مردم ایران صرف هزینه این همایش برای جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور گردیده است، اما آنچه در این میان در خفا مانده، ماجرای دسترسی کیهان به اسناد دولتی و IP کامپیوتر مخصوص رئیس دفتر احمدی‌نژاد است.

ماجرای دسترسی روزنامه کیهان به اسناد دولتی و اطلاعاتی، هرگز امر تازه‌ای نبوده و نیست. پیش‌تر از این نیز بسیاری از افراد و نیروهای منتقد رژیم با همین شیوه حسین شریعتمداری، نماینده خامنه‌ای و مدیر مسؤول روزنامه کیهان به اتهام "جاسوسی"، "ارتباط با بیگانگان" و "اقدام علیه امنیت ملی" به شکنجه، زندان و اعترافات تلویزیونی گرفتار شده‌اند.

دسترسی روزنامه کیهان به ایمیل‌ها و IP کامپیوتر مخصوص رحیم مشایی، رئیس دفتر احمدی‌نژاد، نشان از بی‌اعتمادی ارگان‌های جمهوری اسلامی نسبت به یکدیگر و نفوذ نیروهای اطلاعاتی در تمام زوایای این حکومت، حتا دولت احمدی‌نژاد هم دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که خامنه‌ای و نیروهای طرفدار او اکنون در ضعیف‌ترین حلقه اعتماد نسبت به نیروهای درون خود قرار گرفته‌اند و این امر یعنی گنبدیگری درونی رژیم مذهبی و دیکتاتوری حاکم بر ایران.